

متن پرسش

سلام و درود و نور و رحمت الهی تقدیم به حضرت حجت ارواحنا فداه: استاد من سخنرانی انتظار و نجات از اکنون زندگی شما رو گوش دادم ولی اون قسمتی که راجع به توحیدی بودن امیرالمؤمنین علی علیه السلام و جمع بین گذشته و حال و آینده صحبت کردید هیچی نفهمیدم، از لحاظ ذهنی می‌فهمم ولی از لحاظ شدن و عینیت یافتن وجودم هنگ می‌کنه. و اینکه فرمودید توحیدی شدن یعنی با تمام انبیا و اولیا و حضرت حجت ارواحنا فداه تا الان یکجا حضور داشتن. البته فکر نمی‌کنم منظور شما حضور مادی باشه که البته حضور مادی رو هم ممکنه شامل بشه، ولی یقیناً حضوری از جنس حرکت وجودی و سنخیت و عینیت پیدا کردن است. مثل ضرب المثل آنچه جوان در آینه ببیند پیر در خشت خام ببیند. یا به دریا رفته می‌داند مصیبت‌های طوفان را، خلاصه. یا اینکه حضرت آیت الله خامنه ای می‌فرمایند من زیر بیرق ابالفصل علیه السلام هستم، این یک حرف نیست یا اظهار علاقه و ارادت و محبت نیست، واقعا حضرت آقا در فقر محض و مطلق و تسلیم اراده و عبد محض بودن خودشون رو و از طرفی حل شدن در قدرت و اراده الهی شون رو به ما نشون میدن. و بخاطر این نحوه وجودشون و اتصال و فانی شدن شون هست که امید به آینده دارند چون فقط ظهور اراده الهی رو می‌بینند و هزاران بار در زندگی شخصی و اجتماعی شون تجربه کردند. اما اینکه ما باید با انبیای گذشته معین داشته باشیم چنانکه حضرت علی علیه السلام می‌فرمایند انگار من با اونها بودم، شاید بدلیل این باشه که نوعیت حوادث تاریخی و گذشته از جنس تقابل خیر و شر و حق و باطل هست که حضرت اینگونه می‌فرمایند. مثلاً من خودم فکر می‌کنم تا زمانی که جنس غربت و خون دل خوردن انبیای گذشته علیهم السلام از آدم و نوح و ابراهیم و موسی و عیسی مسیح علیهم السلام را درک نکنم و حل در وجود توحیدی شون نشم هم‌سنخ نهایی ترین پیامبر حضرت محمد صلی الله علیه و آله نخواهم شد و فکر کنم این معنی جمع بین گذشته و حال و آینده و حضور در چادر حضرت حجت ارواحنا فداه باشه. یا حق. ان شاء الله که راضیه مرضیه باشید.

متن پاسخ

باسمه تعالی: سلام علیکم: نکاتی که فرمودید خوب است ولی عنایت داشته باشید ما در ذات انسانیت خود نسبت به انسان‌ها نوعی یگانگی در عین تشکیکی بودن و شدت و ضعف داشتن، در انسانیت با آن‌ها دارا هستیم به همان اعتبار وجود که همه مراتب وجود را دارا هستند در عین شدت و ضعف. موضوع انسانیت همان‌طور که در کتاب «مبانی نظری مهدویت» عرض شد امری انسانی و تشکیکی

است و قرار است ما از جهت انسانیت خود با انسان‌ها رابطه برقرار کنیم. در آن صورت اولیای الهی را نهایت حضور خود در افقی می‌یابیم که نسبت به آن‌ها بیگانه نیستیم و هر آنچه در مسیر شریعت الهی بهتر و عمیق‌تر قدم برداریم، نسبت خود را با آنان بیشتر احساس می‌کنیم به همان معنایی که جناب مولوی فرمود: «شیر را بچه همی ماند به او / تو به پیغمبر به چه مانی، بگو؟». موفق باشید